

Stop Saying “Big”: Spacious, Enormous or Substantial?

English learning resource · FA

Key words & expressions · English + Persian

8 learning entries

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

1

spacious

جادار · وسیع

DEF

Having plenty of room inside so that a place feels open and comfortable.

Spacious describes usable interior space and the experience of comfort, not simply physical size. It collocates naturally with room, kitchen, apartment, office and car.

FA

دارای فضای داخلی فراوان، به گونه‌ای که مکان باز و راحت به نظر برسد.
این واژه بر فضای داخلی قابل استفاده و احساس راحتی تأکید دارد، نه فقط بزرگی فیزیکی. معمولاً با اتاق، آشپزخانه، آپارتمان، دفتر و خودرو می‌آید.

The apartment is small from the outside, but the living room is surprisingly spacious.

آپارتمان از بیرون کوچک است، اما اتاق نشیمن به طرز شگفت‌آوری جادار است.

We chose a spacious meeting room so everyone could move around comfortably.

یک اتاق جلسه جادار انتخاب کردیم تا همه بتوانند راحت حرکت کنند.

2

enormous

بسیار بزرگ · عظیم

DEF

Extremely large in size, quantity or degree.

Enormous is a strong adjective. It can describe physical size, a very large amount or the seriousness of an abstract idea such as a mistake.

FA

از نظر اندازه، مقدار یا درجه بسیار بزرگ.
صفتی قوی است و می‌تواند اندازه فیزیکی، مقدار بسیار زیاد یا جدی بودن مفهومی انتزاعی مانند یک اشتباه را توصیف کند.

An enormous crowd gathered outside the stadium.

جمعیتی عظیم بیرون ورزشگاه گرد آمد.

Correcting the error required an enormous amount of work.

اصلاح آن خطا به حجم بسیار زیادی کار نیاز داشت.

3

substantial

قابل توجه · چشمگیر

DEF

Large or considerable in amount, value, importance or effect.

Substantial is slightly formal and often collocates with amount, difference, improvement, investment, evidence and meal. It suggests something significant rather than merely physically big.

FA

زیاد یا چشمگیر از نظر مقدار، ارزش، اهمیت یا اثر.
این واژه کمی رسمی است و اغلب با مقدار، تفاوت، بهبود، سرمایه‌گذاری، شواهد و وعده غذایی می‌آید. بر اهمیت تأکید دارد، نه فقط بزرگی فیزیکی.

The company made a substantial investment in new technology.

شرکت سرمایه‌گذاری قابل توجهی در فناوری جدید انجام داد.

Daily listening produced a substantial improvement in her comprehension.

گوش دادن روزانه بهبودی چشمگیر در درک او ایجاد کرد.



4

plenty of room

فضای زیاد · فضای کافی و بیشتر

DEF

More than enough space for people or things.

Room is uncountable here and means available space, not a separate room in a building. The expression often explains why a place feels spacious.

FA

فضایی بیش از مقدار لازم برای افراد یا اشیاء.

در اینجا غیرقابل شمارش و به معنای فضای در دسترس است، نه یک اتاق جداگانه. این عبارت اغلب توضیح می‌دهد چرا مکانی جادار به نظر می‌رسد.

There is plenty of room for four people and their luggage.

برای چهار نفر و چمدان‌هایشان فضای زیادی وجود دارد.

Move the table and we will have plenty of room to practise.

میز را جابه‌جا کن تا فضای کافی برای تمرین داشته باشیم.

5

feel crowded

شلوغ و پر به نظر رسیدن · احساس تنگی دادن

DEF

To seem uncomfortably full because too many people or objects occupy the available space.

Crowded describes the impression created by limited free space. A physically large room can still feel crowded if it contains too much furniture.

FA

به دلیل حضور افراد یا اشیای بیش از حد، ناراحت‌کننده و پر به نظر رسیدن.

برداشت ناشی از کمبود فضای آزاد را توصیف می‌کند. حتی اتاقی بزرگ با وسایل زیاد می‌تواند شلوغ به نظر برسد.

The office feels crowded when everyone is working there.

وقتی همه در دفتر کار می‌کنند، فضا شلوغ و پر به نظر می‌رسد.

The room looked large online, but it felt crowded with all the furniture.

اتاق در اینترنت بزرگ به نظر می‌رسید، اما با آن همه وسیله احساس تنگی می‌داد.

6

collocation

هم‌آیی · ترکیب رایج واژه‌ها

DEF

A combination of words that native speakers commonly use together.

Knowing meaning is not enough: natural English depends on choosing partners that normally occur together, such as spacious room and substantial improvement.

FA

ترکیبی از واژه‌ها که گویشوران بومی معمولاً با هم به کار می‌برند.

دانستن معنی کافی نیست؛ انگلیسی طبیعی به انتخاب واژه‌هایی وابسته است که معمولاً کنار هم می‌آیند، مانند *spacious room* و *substantial improvement*.

Spacious room is a natural English collocation.

یک هم‌آیی طبیعی در زبان انگلیسی است *Spacious room*.

Learning vocabulary through collocations makes speaking more automatic.

یادگیری واژگان از طریق هم‌آیی‌ها، صحبت کردن را خودکارتر می‌کند.



7

overlap

همپوشانی داشتن · تا حدی مشترک بودن

DEF

To share some meaning, features or territory while remaining different.

When words overlap, they may both fit one situation but emphasise different aspects. Spacious and enormous can describe the same balcony from different perspectives.

FA

بخشی از معنا، ویژگی یا قلمرو را به اشتراک داشتن و در عین حال متفاوت ماندن.
دارند، ممکن است هر دو در یک موقعیت مناسب باشند اما بر جنبه‌های متفاوت تأکید کنند. **Spacious** و **enormous** می‌توانند یک بالکن را از دو دیدگاه توصیف کنند.
وقتی واژه‌ها همپوشانی

The meanings overlap, but the words are not interchangeable in every sentence.

معناها همپوشانی دارند، اما واژه‌ها در هر جمله قابل جایگزینی نیستند.

Their responsibilities overlap in several areas.

مسئولیت‌های آن‌ها در چند زمینه همپوشانی دارد.

8

noticeable improvement

بهبود محسوس · پیشرفت قابل مشاهده

DEF

A positive change that is large or clear enough to be observed.

Noticeable focuses on visibility; substantial focuses on the size or significance of the improvement. The same improvement may be both.

FA

تغییری مثبت که آن‌قدر بزرگ یا روشن است که بتوان آن را مشاهده کرد.
بر اندازه یا اهمیت بهبود. یک بهبود می‌تواند هر دو ویژگی را داشته باشد **substantial** بر قابل مشاهده بودن تمرکز دارد؛ **Noticeable**
Her pronunciation showed a noticeable improvement after daily practice.

تلفظ او پس از تمرین روزانه بهبودی محسوس نشان داد.

The brighter windows made a noticeable improvement to the room.

پنجره‌های روشن‌تر بهبودی قابل مشاهده در اتاق ایجاد کردند.

